

نقش نفوذی‌ها در اشاعه‌ی شبهات

تألیف

مهدی جباری

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک
 وضعیت فهرست نویسی
 یادداشت
 موضوع
 درباره منافقان
 موضوع
 موضوع
 درباره دشمنان
 موضوع
 موضوع
 موضوع
 موضوع
 رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی

: جباری، مهدی. ۱۳۶۲ - گردآورنده
 : نقش نفوذی ها در اشاعه ی شبهات/ اثر مهدی جباری.
 : تهران: راه نیکان، ۱۳۹۵.
 : ۸۶ ص.
 : ۹۸۷-۶۰۰-۷۲۹۷-۵۰-۶
 : فیبا
 : کتابنامه به صورت زیرنویس.
 : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - نظریه
 : Khamene'i, Ali, Leader of IRI, Views on Monafeq - 1939:
 : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - دیدگاه
 : Khamene'i, Ali, Leader of IRI, Views on Monafeq-1939 (Persons) :
 : منافقان -- ایران
 : *Munafiqun -- Iran :
 : دشمنان -- جنبه های مذهبی -- اسلام
 : : Enemies -- Religious aspects -- Islam :
 : ۱۳۹۵ ۷ ن ۸ م / DSR ۱۶۹۲ :
 : ۹۵۵/۰۸۴۴ :
 : ۴۴۵۶۵۸۹



نشر راه نیکان

بخش : پاسخ به شبهات

نقش نفوذی ها در اشاعه شبهات

تألیف : مهدی جباری

چاپ : اول ۱۳۹۵ شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۵۰-۶ ISBN : 978-600-7297-50-6

شماره ثبت کتاب : ۱۴۵۶۳۹۰ قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

www.rahenikan.com www.instagram.com/rahenikan

فهرست

۹	سخن ناشر
۱۳	پیش‌گفتار
۱۹	نفوذ در تعاریف اهل تعارف
۲۱	نفوذ همیشه نقش منفی نداشته و ندارد
۲۲	نفوذ مسئله مهمی است
۲۴	نفوذ برای دو منظور انجام می‌شود
۲۶	گاهی نفوذی نمی‌داند نفوذی است
۲۹	جریان نفوذ از کجا شکل می‌گیرد
۳۱	فتنه نفوذ از دشمنی دشمن است
۴۰	راه‌های نفوذ
۴۲	نفوذ از نوع انگلیسی
۵۲	توجه به عملکرد نفوذی‌ها ضروری است
۵۵	روشنگری بدون تهمت زدن

۵۸	توجه به نوع نفوذ لازمه نفوذشناسی است
۶۰	نفوذ جریانی
۶۲	نفوذ امنیتی
۶۴	نفوذ اقتصادی
۶۶	نفوذ فرهنگی
۶۸	نفوذ سیاسی
۷۰	نفوذ تاریخ، ران
۷۱	نفوذیان دین از صدر اسلام تا امروز
۷۵	همداستانی ایران تخریف شده در دشمنی با اسلام
۸۱	برنامه‌های نفوذ
۸۲	شبیه‌افکنی جاده دشمن را می‌سازد
۸۳	نفوذیان اختلاف‌افکن
۸۵	اختلاف از نوع مذموم ونهی شده‌ای آن
۹۳	کارهای حاشیه‌ای نفوذ

سخن ناشر

سخن پیرامون «شبهه» ای که در اصطلاح «اصول فقه» تردید و اشتباه بین امور محرمه و حلاله و اموری که تشخیص آنها ممکن نباشد نیست، بل «شبهه» ای می باشد که در «علوم عقلی» مورد بحث است و علماء لغت آن را به «اشتباه انداختن» معنا کرده گفته اند «موجب تردید در حق می شود» که از این رو همواره با برهان منفی در رویارویی با صدق و حقیقت مورد توجه قرار می گیرد و مآلاً بازگشت آن به کژاندیشی یا نوعی مغالطه، بطلان آن در گرو امتناع اجتماع یا ارتفاع نقیضین است. نزد اهل کلام شبهه در اندیشه بشری، با شبهات هفت گانه ابدی - آغاز خلقت و مهلت دادن او در فریب فرزندان آدم آغاز شده و تا روز قیامت پابرجاست.

امروز که شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی، شبهات معرفتی، شبهات اقتصادی هر کدام قشری از جامعه را هدف قرار داده و بعضاً به همین لحاظ هر کدام از افراد هدف قرار گرفته بصورت دار و

دسته‌ای درآمده وحدت و همدلی لازمه‌ی امروز در مقابل صهیونیسم را تهدید می‌کنند، و لذا نباید سلیقه‌ای که نتیجه‌ی خودسری است در مقابل نفوذی‌های شبهه‌افکن عمل کرد زیرا سلیقه‌ای با شبهات حساب شده برخورد کردن نه فقط پاسخ به شبهات داده نمی‌شود، بلکه شبهه‌ی شبهات را به‌شبهه‌ی مورد نظر می‌افزاید. به لحاظ خطر خیزی و مشکل آفرینی سلیقه‌ای عمل کردن می‌بایست با هر شبهه چنان برخورد کنیم که قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام وظیفه قرار داده‌اند که این معنای «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا رَسُولَهُ» و «أُتِلِي الْأَمْرَ مِنْكُمْ»^۱ است. امروز که به فرموده رهبر بیداری جهان اسلام حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی «فضای جدیدی از لحاظ ابداع افکار خدشه‌آمیز و شبهه‌های دینی و سیاسی در کشور به وجود آمده است که در مقایسه با گذشته بیشتر است»^۲ باید در برخورد با شبهات تابع مراجع عام تقلید بود که مبدا شبهه‌ای دیگر فراهم آوریم. آنهم «با این فضای جدید، شبهه‌های بیگانه که به طور مستمر در حال ابداع شبهات فکری هستند و عناصر را در داخل تشویق و ترغیب می‌کنند»^۳

و لذا امروز که امواج مخرب و مفسده‌انگیز از خارج برای تأثیرگذاری بر اذهان جوانان عزیز ما به صورتی فعال در تلاش هستند تا بر اعتقادات نسل جوان خدشه وارد کنند همه‌ی آنهایی که توان علمی و پاسخگویی

۱- سوره نسا: آیه ۵۹.

۲- در دیدار علماء روحانیون، فضلا و ائمه جماعات در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۲.

۳- همان مأخذ.

دارند باید در این زمان که دشمن و منکرین فکری ما جبهه القاء شبهات را یکی از راه‌های رسیدن به مقاصد ضداسلامی و شیعه ستیزی دانسته‌اند به فرموده ولی امر مسلمین حضرت امام خامنه‌ای مدظله «خود را برای هدایت عمومی جامعه در آینده و مقابله با شبهات افرادی که قادر به دیدن شکوه و عظمت اسلام در ایران نیستند آماده نمایند»^۱

نشر راه نیکان با توجه به این نوع هدایت‌ها و راهنمایی‌ها احساس وظیفه نموده اقدام به نشر آثاری کرده که شخصیت‌های علمی تحت عنوان «پاسخ به شبهات» تألیف و تدوین نموده‌اند. و لذا از صاحبان نظر دعوت نموده در صورت تمایل اگر آثاری در این زمینه فراهم آورده‌اند سعادت چاپ و انتشار آن را به نشر راه نیکان داده، دعای خیر خود را بدرقه راه ما سازند تا مانع از زوال آنهائی باشیم که خطابشان کرده‌ایم: به گیتی مزین جز به نیکی نفس. قدم زن تو در راه نیکان و بس

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱ فروردین ۱۳۹۵

پیش‌گفتار

مدت مدیدی بود از یاکان روزگار می‌شنیدم طریق اهل معرفت که نه
آلوده به خزعبلات صوفیه‌اند و نه در زمره‌ی مدعیان کشف و شهود
عرفان، اقرب طریق الی الله است، آنچه در این امر مهم می‌شنیدم
آتش نیستی در خرمن هستی ^۱ آتش با دیدی گریان و سینه‌ای سوزان
در بیابان طلب می‌دویدم تا گریبان ^۲ می‌تعلقات حجاب‌آور را بدریدم
نه هوایی ماند در سر و نه هوسی در تن، با خرد حدیث نفس داشتم
شیشه‌ی هستی به سنگ نیستی شکستم من ^۳ وجود خود در بوته‌ی
طلب صادقانه گذاخته، پروانه‌وار بی‌هیچ پروا پر و بال غیبت، فدای
شعله شمع غیبت نموده، با شنیدن سروش غیبی که ندای می‌داد ای
دور مانده از اصل خویش سوی وطن عزم را جزم کن.

ای دور مانده از حرم خاص کبریا

سوی وطن رجوع کن از خطه‌ی خطا

که اهل حال را افتخار به کثرت قیل و قال نخواهد بود، آنچه غایت

مال و امانی و نهایت عزت کامرانی ایشان است جاه و مال، ملک و منال، دولت و اقبال، عظمت و جلال نیست. بل در بند آن بوده‌اند تا از آثار فضائل مریبان خویش تذکروه‌ای خوب و یادگاری مرغوب بگذارند و این نکته را مقرر شناسند و این معنی را محقق شمارند که بر بسط زمین از صنایع انبای روزگار و بدایع اصحاب نامدار هیچ یادگاری پایدارتر از رفیع هرگونه شبهه از دین مبین و هنر کاشفان و مخترعان ساکنان زمین ندارند. و لذا علمداران میدان فصاحت، قلم‌گزاران دیوان بلاغت، محدثان معارف فضل و هنر، منتظمان عقود لآلی و درر، افاضل نامدار و سخن‌گزاران روزگار همیشه‌ی ایام در بند آن بوده‌اند بی‌اعتباری افکار شبهه‌ساز را که از حجره ضمائرشان به این و آنی چند انتقال داده‌اند و بعضاً در جله‌ی صحایف نشانده‌اند پاسخ گویند.

بی‌خیال از نگارش و به یادگار گذاشتن نگاه سخنی شبهه‌آور می‌شنیدم به میدان مقابله می‌دویدم، ولی دلم خرم جز کلام دل‌داده‌ی از بند علائق و عوایق آزاده نداشتم که می‌فرمود: «انسان» پرده‌دار است و نگاه پرده‌بردار. هرگاه سرگرم خود می‌شدم جز «دست به کار و دل به یار» تعریفی برای خود نداشتم. در همان ایام که بنا بر وظیفه شرعی باشبهه‌آوران برخورد می‌کردم در پی صاحب‌دلی که شنیده داشتم کیمیا دارد و انسان را تبدیل می‌کند بودم، یادم آمد او که ظلمت کفر از دلش دور شده بود و نور ایمان شبستان وجودش را منور نگاه می‌داشت توجهم می‌داد: «دانسته باش به دست آوردن آن کیمیا که

مس و برنج را به صفا و پاکی بر زرذ خالص رساند دشوارست و هر
کسی این صنعت نشناسد همچنان آن کیمیا که گوهر آدمی را از خست
بهیمیت به صفا و نفاست ملکیت رساند تا بدان، سعادت ابدی یابد،
هم دشوار بود و هر کسی نداند، همچون راه‌دانان بی‌ادعا که نه
صوفی‌اند و نه ادعایی دارند فرموده‌اند: «تعب در طریق طلب معرفت
به قدر عزت مطلوبست».

طالب حمله علت‌های ما که نه به فرقه می‌نازد، نه خرقه می‌بازد به
افاضات فرمود «بروانه که طالب دیدار شمع است تا در میان جمع پر
وبال خویش بی‌برانسوزد چهره از وصال شمع نیفزود، و غواص که
طالب دگرانمایه است تا از دست قدم نسازد و جان گرامی بر دست نهند
و مدتی دم نکشد گوهرش به دست نیارد. همت را بر آن گذاشته بودم
آنچه را هر کسی نداند بدانم، ان خلق لستی به حق پیوسته‌ای از سر
بی‌علتی بر پریشانی درونی ام رحم آرید، فرمود: «فرزند! چشیدن آب
حیات بی‌کشیدن و فح ظلمات میسر نشود، حیات بی‌وقتی یابی که آب
حیات نوشی و آب حیات آنگاه به دست آری تا سرقة مع ظلمات کوشی
که فرموده‌اند:

غواصی کن گرت گهر می‌باید

غواصی را چند هنر می‌باید

سر رشته به دست یار و جان بر کف دست

دم نازدن و پای ز سر می‌باید

در پی آن یاری ادعا بودم که تقدیر الهی با مردی از خوبان روزگار

آشنایم کرد، نه صوفی بود و نه تصوف را از جمله نحله‌های اسلامی می‌دانست، بل مکرر شنیده بودم که می‌فرمود: اگر ما را از شیعیان بدانند بر ما منت گذاشته، به دولت بی‌زوال رسیده‌ایم.

نمی‌دانم چه شد شبی دلیل راهی که به قصه‌گویی کرامت مدعیان دل‌خوش کرده بود این خسته از نفس کشیدن را به نزد صاحب دولتی رد، کنجی نشسته، سر در جیب خود فرو برده، دل به آنچه می‌فرمود سپرد. بودم آنچه برایم تازگی داشت به جای سخن گفتن به اعتبار کتاب‌هایی نظیر تکرر الاولیاء با سخن عالمان دین اراتمندان را منقلب می‌کرد و می‌فرمود: «یهیای که ترا تبدیل کند در چنته صوفی نباشد، کیمیا شرع نبوی است، و در باغ عالمان چاکر علی ولی وصی علیه السلام می‌باشند؛ مگر نه این است که سواجه شیراز حافظ صاحب راز در جواب ادعای «ما خاک راه را به نظر کیمیا کنیم»^۱ سروده است:

دردم نهفته به ز طیبیان مدّعی

باشد که از خزان غش دوا کنند^۲

آن زمان که بر آتش طلب مشتاقان می‌دمید به بی‌سر سامانی معنوی خود اشاره می‌کرد شنیدم که فرمود به افاضات^۳ «یه الله آقا محمد علی جاودان به هنگام تدریس در مسجد امین الدوله از شر خود رهایی یافتم در آن مقام دانستم روش مبتدی، از روش موران ضعیف کمتر باشد به خود گفتم هر مور کجا تواند قطع کند این راه را.

۱- دیوان شاه نعمت الله کرمانی: ۳۸۹.

۲- دیوان حافظ چاپ سید ابوالقاسم انجوی شیرازی: ۴۶.

افاضه‌اش به این جا که رسید به این واقعیت رسیدم در جمع خوش حالانی هستم که صدرنشین ایشان دوره جوانی را در خدمت شخصیتی گذرانده، که سالها حضورش را درک کرده‌ام.

ناگهان فرمود: کیمیایی که ترا تبدیل کند هر جا و نزد هر کس نباشد. جز در خزانه‌ی ربوبیت که در آسمان فرشتگانند و در زمین دل پیامبران، حال که دوران ایشان را درک نکرده‌ایم به حکم «خذا لعلم افواه الرجال» ست. خالی خود را عاشقانه با نیاز به سوی عالمان دین که وارث پیامبرانند، داز کرده به راهنمایی ایشان طی طریق عبودیت می‌نماییم.

در حصول این سادات ربوبی و سیادات عظمی افاضه می‌نمود که شبی به یاران فرمود: امر من مانع من تمام ایام که نفوذیان دشمنان دین مبین شبهه پراکنی می‌کنند دل من را داشته باشید و انجام وظیفه‌ای نمایید که شرع تکلیف نموده است، امروز که اسلام‌ستیزی و شیعه‌هراسی را با انواع شبهات رواج می‌دهند، راه است به قدر توان و بضاعت کاری کنند.

رساله‌ای که جهت مطالعه انتخاب کرده‌اید نتیجه‌ی آن باشد و هدایت است، باشد که با قبول صاحب‌نظران آبرو شود.

خاکهای شیعان

مهدی جباری

۱۶ - اردیبهشت ۱۳۹۵